

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۴۳ - ۱۱۳

ضرورت تصویب قانون خاص مقابله با خشونت علیه زنان در پرتو سیاست جنایی تقنینی ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی

^۱ طوبی کرامتی^۲ اسمعیل رحیمی نژاد^۳ فاطمه گلابی^۴ رضا فانی^۵ دادیار هادی

چکیده

لزوم تصویب «قانون مقابله با خشونت علیه زنان» بعنوان سندی خاص در ایران و قابل ارائه درعرصه بین‌المللی. خشونت علیه زنان از چالش‌های جدی حقوق بشر و مانع تحقق عدالت جنسیتی است. سیاست جنایی تقنینی ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی و اتخاذ سیاستی افتراقی، «لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» (صرفنظر از عنوان متغییرش) را تدوین نموده و سؤال این است، آیا در این لایحه تدابیر پیشگیرانه، حمایتی و کیفری لازم برای مقابله با خشونت علیه زنان مقرر گردیده که با رفع ابهام و ایراداتش، به تصویب قانونی خاص و جامع منجر شود؟ تحقیق از نوع کیفی و به روش توصیفی و تحلیلی بوده و داده‌ها بصورت اسنادی و جستجوی درمنابع، جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این لایحه نقایصی از جمله عدم جرم‌انگاری خشونت خانگی با مصادیق آن، قتل‌های ناموسی، خشونت‌های نوظهور و تبعیض داشته و ایراداتی در مفاهیم، کیفرگذاری، زن‌محوری، بعضاً تعارض با قوانین موجود و تکرار تکالیف ذاتی دستگاه‌های اجرایی دارد. همچنین شباهت سیاست جنایی تقنینی ایران و اسناد بین‌المللی را در پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان با ارتقای آگاهی عمومی، فرهنگ سازی و ضمانت اجرا، و تفاوت‌شان را در مفاهیم، تعریف خشونت، نوع مجازات، موقعیت زنان در دسترسی به عدالت، برابری حقوق با نفی ویژگی‌های ذاتی زنان و مردان و توانمندسازی زن در خانواده نه جدای از آن، بیان می‌کند. تکمیل و تصویب این لایحه برای داشتن قانون خاص مقابله با خشونت علیه زنان لازم است تا با تدابیر پیشگیرانه، حمایتی و عدالت کیفری‌اش، هماهنگی دستگاه‌های اجرایی و مشارکت مردان و زنان بدون تقابل و با دفاع از حقوق همدیگر، خشونت مدیریت گردد و هر اصلاحی نیز در همین قانون بعمل آید.

واژگان کلیدی

خشونت علیه زنان، سیاست جنایی، اسناد بین‌المللی، پیشگیری از آسیب دیدگی زنان.

۱. دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
Email: t.keramati@iau.ac.ir

۲. استاد، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: rahiminejad@tabrizu.ac.ir

۳. استاد، جامعه‌شناسی و گروه‌های اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، ایران.
Email: f.golabi@tabrizu.ac.ir

۴. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

Email: 5079022590@iau.ac.ir

۵. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و الهیات و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
Email: 5679516454@iau.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۳۰

طرح مسأله

خشونت علیه زنان، واقعیت غیر قابل انکار نقض حقوق بشر است و با تفاوت در انواع و اشکال آن در جوامع و فرهنگ‌های مختلف و به دلایل متعدد مانند تبعیض، محدودیت و محرومیت، مسایل فرهنگی به نحو یادگیری و عدم تغییر در ذهنیت‌های شکل گرفته، وجود دارد. همچنین «مرد سالاری دلیل مستقیم بزه دیدگی، بزه کاری و واکنش اجتماعی به رفتارهای زنان است». مرد سالاری متشکل از دو رکن کلیدی «ساختار» و «گفتمان تفکری» است. بر اساس رکن ساختاری «مرد سالاری متأثر از سلسله مراتبی در جامعه است که در این فضا مردان همواره خود را برتر از زنان تلقی کرده و به برتری خود ادامه می‌دهند امری که ناشی از ساختار عمودی در مناسبات خانودگی است» و بر اساس گفتمان تفکری «مردان و زنان به این باور می‌رسند که وضعیت درجه دومی زنان طبیعی و صحیح است مردان با رد زنان کاملاً احساس حمایت می‌کنند و زنان نیز تا حدی محرومیت خود را صحیح می‌دانند و علیه رفتارهای مجرمانه همسران خود شکایت نمی‌کنند، دادخواست طلاق ارائه نمی‌دهند و ... دلیل تمام این کارها آن است که زنان خشونت علیه خود را در باطن خویش پذیرفته‌اند. از این رو و بخصوص در جوامع شرقی شکایت زنان از همسران خود، آنان را به زنان نانجیب تبدیل می‌کند. این زنان با نگاه نامناسب اجتماع مواجه می‌شوند نگاه اجتماع به این زنان تا بدان جاست که آنان را دریده می‌نامند. بنابراین در این جوامع زنان باید تمام خشونت‌های علیه خود را بپذیرند و بی هیچ شکایتی به زندگی ادامه دهند. بستری که در آن بزه دیده جرایم مختلف می‌شوند.» (دکسردی، ۱۳۹۲: ۶۲ و ۶۳). خشونت مصادیق متعددی داشته که زنان به لحاظ آسیب پذیر بودن در معرض انواع مختلف آن از خشونت خانگی گرفته تا خشونت مدلینگ هستند و این موضوع مورد توجه و حساسیت دولتها و سازمانهای بین‌المللی بوده و باعث شده اسناد متعددی در مورد حقوق زنان و منع خشونت علیه آنان به تصویب برسد که برخی اسناد بین‌المللی این حوزه عبارتند از:

- «منشور ملل متحد، ۱۹۴۵» نخستین سند الزام آور بین‌المللی، بر پایبندی به حقوق اساسی بشر، کرامت و ارزش هر فرد انسانی و برابری حقوق زن و مرد و ایجاد حق برابر برای اشتغال و تساوی حقوق کار بین زنان و مردان تأکید دارد.

- «اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸» اصل قابل قبول نبودن تبعیض و یکسان بودن کلیه افراد بشر از نظر منزلت و حقوق را بیان کرده و اینکه بدون هیچگونه تمایزی از جمله جنسیت حق دارند از کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه بهره‌مند شوند.

- «در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶» و «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل، ۱۹۶۶» دول عضو متعهد به تضمین حقوق برابر زنان و مردان شده‌اند.

«قانون مبارزه با عدم تبعیض جنسیتی و کنوانسیون حقوق تجارت بین الملل» که در همه رده‌های شغلی، زنان از حق برابر با مردان در اشتغال و حقوق برخوردارند.

- «مقاله نامه لغو کار اجباری کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار، ۱۹۵۷»، دولت‌ها و مقامات صلاحیتدار نباید اجازه دهند زنان به کار اجباری گمارده شوند و قوانینی که به تحقق کار اجباری زنان منتج گردد، باید ملغی شود.

- «قرارداد بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی، ۱۳۴۶» زنان مانند مردان حق کار، انتخاب آزادانه شغل، برخورداری از شرایط عادلانه، رضایت بخش و حقوق یکسان برای کار مساوی را دارند.

در دیگر اسناد بین‌المللی مانند کنفرانس‌های بین‌المللی زنان؛ اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان ۱۹۶۷، کار پایه عمل پکن ۱۹۹۵؛ اجلاس پکن +۵؛ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان؛ نهادهای مشابه بردگی در اسناد بین‌المللی؛ کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی (ژنوساید)؛ کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی (کنوانسیون پالرمو)؛ کنوانسیون پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی (کنوانسیون استانبول) و سند ۲۰۳۰، «تساوی جنسیتی و مبارزه با عدم تبعیض جنسیتی، حقوق برابر زنان و مردان و پیشبرد آن» هدف اصلی و علت نقض اصل برابری حقوق و احترام به کرامت انسانی زنان «تبعیض» است.

در قوانین داخلی ایران، زنان از حمایت قانون برخوردارند ولی پاسخگو تمامی جرایم و خشونت‌های ارتكابی علیه آنان نیست. لذا رویکرد سیاست جنایی تقنینی ایران تصویب قوانین و اتخاذ تدابیر متعدد برای ارتقای حقوق زنان و جایگاهشان می باشد؛ در مقدمه و اصول ۳، ۱۰، ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی، زن و خانواده مورد توجه بوده و دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید. قانون عائله مندی مصوب ۱۳۷۰، قانون تامین حقوق زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱ و ۱۳۷۴، امکان طلاق از جانب زن با شرط ضمن عقد طبق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، ممنوعیت انجام کارهای سخت و زیان آور به زنان در ماده ۷۵ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، ممنوعیت کار شب برای زنان و ممنوعیت کار برای زنان باردار از شش هفته قبل از زایمان تا چهار هفته بعد از آن طبق قانون مذکور و... ارتقاء جایگاه مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری از مقام مشاوره به معاونت رئیس جمهور، ایجاد پست مشاور امور بانوان در کلیه وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی برای حمایت از زنان شاغل، ارتقاء نقش کمیسیون امور خانواده، زنان و جوانان و فراکسیون زنان در مجلس شورای اسلامی، ارتقاء نقش شورای فرهنگی اجتماعی زنان در شورای انقلاب فرهنگی، ایجاد دفتر حمایت از زنان و کودکان در قوه

قضایه، تعیین پست قاضی مشاور زن در دادگاه خانواده وفق قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، ارتقاء نقش پلیس زن در ساختار نیروی انتظامی، لزوم بازجویی از زنان و اطفال توسط ضابطان آموزش دیده زن، به رسمیت شناختن حضور سازمان‌های مردم نهاد در مراحل دادرسی کیفری طبق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون ساماندهی حمایت از مشاغل خانگی، قانون اصلاح مواد ۱ و ۷ قانون نحوه اجرای قانون مربوط به خدمت نیمه وقت بانوان، تصویب و اجرایی شدن قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، تدوین لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت، ارتقاء سلامت و بهداشت زنان با تشکیل مراکز بهداشتی و درمانی روستاها و شهرها و نیز کمیته پیشگیری و کنترل ایدز، مراکز مشاوره، مراقبت و درمان ویژه زنان آسیب پذیر و مبتلایان به اچ. آی. وی. و خانواده آنها، افزایش مشارکت سیاسی زنان با عضویت در مجلس شورای اسلامی و تصدی برخی مناصب مهم سیاسی و حضور در سطوح مختلف مدیریتی.

تعریف خشونت

خشونت به معنی زبری، درشتی، سختی، تندی، خشم (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۱۰) و در فارسی معادل «پرخاشگری و سخت‌گیری» است. (معین، ۱۳۸۶: ۴۱۸) یعنی هر رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که متضمن سخت‌خویی، توهین، غضب و با هدف وارد نمودن آسیب یا ضرر باشد، خشونت است. خشونت حالتی از رفتار است که با استفاده از زور فیزیکی و یا غیر فیزیکی، فرد خشن خواسته خود را به دیگران تحمیل می‌کند. (همان؛ خسروی، بسامی و قاسمی، ۱۴۰۱: ۲۵۱) خشونت خروج از مرز عدالت و حرکت به سوی ظلم و پدیده‌ای است مستمر که به نحو گسترده، پیچیده و متنوع رخ می‌دهد.

خشونت ممکن است در اثر خشم اتفاق افتد و یا ناشی از تفکرات فرهنگی، قبیله‌ای یا مذهبی باشد. رفتار خشونت‌آمیز می‌تواند در سطح آگاهانه یا ناآگاهانه صورت گیرد. بنابراین، خشونت استفاده از زور فیزیکی به منظور قراردادن دیگران در وضعیتی بر خلاف خواستشان است. کودک آزاری و همسر آزاری نوعی از خشونت خانوادگی است که متأسفانه منجر به نابسامانی اجتماعی شده و دولتها مکلف‌اند در زمینه کاستن از خشونت اقدامات جدی بعمل آورند. معمولاً خشونت با مفهوم پرخاشگری به کار برده می‌شود و در تعریف پرخاشگری آمده است: اعمال خصمانه‌ای که از روی عمد صورت می‌گیرد و به افراد و اشیاء آسیب می‌رساند. (رحمتی فر، ۱۴۰۱: ۱۶۸) خشونت در درون خانواده از دو جهت تأثیرگذار است: شخصی و اجتماعی. در جنبه شخصی، قربانی خشونت آسیب بدنی می‌بیند، تحقیر می‌شود. از بعد اجتماعی نیز خشونت‌های خانوادگی نوعی بی‌اعتمادی نسبت به افراد به وجود می‌آورد. به طور کلی خشونت پدیده‌ای است که به مذهب، به طبقه اجتماعی و سطح سواد کمتر ارتباط دارد. (شیخ بهایی،

بهرامی‌نژاد و بهرامی خوشکار، ۱۴۰۰: ۱۵۱)

در مقدمه اعلامیه رفع خشونت از زنان آمده است: «هرگونه عمل خشونت‌آمیز براساس جنسیت که باعث بروز لطمات و آسیب‌های جسمی، جنسی، یا روانی یا رنج و آزار زنان و تهدید به انجام این اعمال که منجر به محدودیت اجباری یا اختیاری (در شرایط خاص) از آزادی در اجتماع یا در زندگی خصوصی می‌گردد.» همچنین در چهارمین کنفرانس جهانی زن در سال ۱۹۹۵ (اعلامیه پکن)، ذیل عنوان خشونت علیه زنان در بند ۱۱۳ تعریف دقیقی از خشونت ارائه شده است: «اصطلاح خشونت علیه زنان به هر فعل خشونت بار مبتنی بر جنسیت اطلاق می‌گردد که به آسیب دیدگی یا رنج جسمانی، روانی یا جنسی زنان منتهی می‌شود و یا ممکن است منتهی شود، از جمله تهدید به ارتکاب اینگونه اعمال، اجبار و سلب خودسرانه آزادی، خواه در زندگی خصوصی و یا زندگی عمومی.»

خشونت علیه زنان با توجه به قید زنان، مبتنی بر جنسیت شناخته می‌شود حتی اگر عمل خشونت منجر به تحقق واقعی ایجاد صدمه به زنان نشود و لذا تهدید به خشونت که منجر به ایجاد احساس ترس و ناامنی در زنان می‌شود را نیز در بر می‌گیرد و خشونت به جسمی، جنسی، روانی تقسیم می‌شود و این خشونت می‌تواند از سوی جامعه و یا دولتها رخ دهد. لذا اعمالی همچون ضرب و جرح، سوء استفاده‌های جنسی، آزار جنسی در نهادهای آموزشی و خرید و فروش زنان و وادار کردن به روسپی گری و قوادی را در قالب خشونت های اجتماعی گنجانده است.

در ایران لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت»، اهمیت ارائه تعریف را مدنظر قرار داد و در ماده ۳ خشونت علیه زنان را تعریف می‌کند: «هر رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که به جهت جنسیت یا موقعیت آسیب پذیر یا نوع رابطه مرتکب، بر زن واقع می‌شود و موجب ورود آسیب یا ضرر به جسم یا روان یا شخصیت، حیثیت و یا محدودیت یا محرومیت از حقوق و آزادی‌های قانونی وی گردد گردد و یا هر یک از آنها را در معرض تهدید جدی قرار دهد.» (حاجی ده آبادی، شیروانی، ۱۳۹۸: ۴۷) با تغییر در عنوان و متن لایحه مذکور، ماده ۱ لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» با پرهیز از تعریف خشونت، مقرر می‌دارد: «تمامی زنانی که در قلمروی سرزمینی جمهوری اسلامی ایران حضور یا سکونت داشته باشند فارغ از قومیت، دین، مذهب و دیگر ویژگی‌های فردی و اجتماعی، در برابر هرگونه آسیب ناشی از سوءرفتار فرد دیگری که به بدن، روان، حیثیت، حقوق و آزادی‌های قانونی آنان وارد گردد، از تدابیر پیشگیرانه، حمایتی و کیفری این قانون برخوردار می‌شوند.»

مصادیق خشونت علیه زنان

خشونت علیه تمامیت جسمی و فیزیکی، خشونت روانی و شخصیتی، تبعیض، خشونت خانگی، خشونت جنسی، خشونت جنسیتی، خشونت اقتصادی، خشونت فرهنگی، خشونت مدلینگ (استفاده ابزاری از زن در تجارت و صنعت مد و فشن با کمک رسانه‌های جمعی و فضای مجازی که شکل دهنده استانداردهای زیبایی و سبک زندگی جامعه جهانی است)، از انواع متعدد خشونت علیه زنان می‌باشد. خشونت خانگی مانند اذیت و آزار زن از سوی شوهر یا فرزندان و بالعکس می‌باشد که منجر به آسیب‌های اجتماعی چون طلاق، فرار از خانه و جرایمی چون قتل، ایراد ضرب و جرح، تهدید و توهین می‌شود. خشونت خانگی نسبت به زنان شایع‌ترین نوع آن است: کتک خوردن، اسیدپاشی مردان نسبت به زنان، محبوس کردن زنان در منزل، شکنجه جسمی و روانی زنان، تجاوز پدران یا ناپدری‌ها و برادران به دختران خانواده، سوء استفاده‌های جنسی از دختران و زنان به ویژه دختران نابالغ، قتل‌های ناموسی دخترانی که مورد تجاوز واقع شده‌اند، ختنه زنان و دختران، سوزاندن عروس در برخی قبایل بومی به خاطر عدم کفایت جهیزیه آنها، ندادن غذای کافی به کودکان دختر و زنان و به طور کلی تبعیض جنسیتی و جنسیت‌گزینی در برخی جوامع و قبایل و در نهایت ضرب و شتم زنان در دوران بارداری برای اجبار آنها به سقط جنین. بسیاری از این موارد مربوط به آداب و رسوم سنتی می‌شود که در برخی جوامع و قبایل سنتی و بومی هنوز پابرجا مانده‌اند و بر علیه زنان مورد استفاده قرار می‌گیرند. (حضرت پور، محمدی، ۱۳۹۷: ۸۶)

خشونت علیه زنان در همه طبقات اجتماعی، اقتصادی، نژادی، سنی و جغرافیایی یافت می‌شود. اما در برخی از گروه‌ها شایع‌تر است. خشونت خانگی نوع خاصی از خشونت است که در سطح خانواده اعمال و منجر به آسیب یا رنج جسمی، روانی و جنسی می‌شود. (قاضی طباطبایی و دیگران، ۱۳۸۲: ۵۰-۴۲) این نوع از خشونت در بسیاری از فرهنگ‌ها و در ارتباطات روزمره زن و شوهر جاری است. مواردی از این نوع خشونت که تاکنون شناخته شده است، عبارتند از:

- ۱- **استفاده از ارباب:** ترساندن همسر با نگاه، اشارات و حرکات دست و سر؛ خرد کردن و شکستن اشیاء؛ خراب کردن اموال و متعلقات همسر؛ نشان دادن سلاح و تهدید همسر؛
- ۲- **سوء رفتار عاطفی:** خوار و خفیف کردن همسر؛ تحقیر کردن؛ فحاشی؛ ایجاد احساس گناه در همسر؛ تلقین حالت دیوانگی در همسر؛ وادار کردن همسر به اینکه احساس بدی نسبت به خود داشته باشد.

- ۳- **کم ارزش کردن، انکار و سرزنش کردن:** ساده انگاشتن و سوء رفتار و اهمیت ندادن به نگرانی‌های همسر درباره خشونت؛ انکار سوء رفتار و آزار؛ عدم پذیرش وقوع رفتار تهاجمی؛ مقصّر دانستن همسر در به وجود آمدن سوء رفتار؛

۴- **منزوی کردن:** کنترل کارهای همسر (اینکه با چه کسی گفت و گو و ملاقات می‌کند، چه چیزی می‌خواند و به کجا می‌رود؟)؛ محدود کردن همسر از پرداختن به فعالیت بیرون از منزل؛ توجیه اعمال و حرکات خود در قالب غیرت یا حسادت؛

۵- **استفاده کردن از کودکان:** وادار کردن همسر به اینکه درباره کودکان احساس گناه کند؛ استفاده از فرزندان برای خبرچینی؛ تهدید به گرفتن فرزندان از همسر؛

۶- **استفاده از امتیاز مرد بودن:** با زن مثل کنیز رفتار کردن؛ اتخاذ کلیه تصمیم‌گیری‌های عمده و بزرگ توسط مرد؛

۷- **آزار اقتصادی:** مانع شدن از دستیابی همسر به کار یا داشتن شغل؛ وادار کردن همسر به درخواست پول و ایجاد وضعیتی که زن خود را محتاج حس کند؛ اخذ کردن پول از همسر که متعلق به خود اوست؛ به همسر اجازه اطلاع از درآمد خانواده را ندادن؛

۸- **زورگویی و تهدید:** تهدید یا اقدام به تهدید برای انجام کاری که به همسر آسیب برساند؛ تهدید به ترک همسر؛ ارتکاب به خودکشی؛ وادار کردن همسر به انجام کارهای غیرقانونی. (رنجبران، ۱۳۹۱: ۳۹-۳۸)

این مقاله با نگاهی به اسناد بین‌المللی و سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال خشونت علیه زنان با تأکید بر لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان، ضرورت تصویب قانون خاص مقابله با خشونت علیه زنان را بررسی می‌نماید.

۱- اسناد بین‌المللی مقابله با خشونت علیه زنان

در اسناد بین‌المللی به همه انواع و اقسام خشونت علیه زنان توجه شده و دولتهای عضو تعهد کرده‌اند در قوانین داخلی خود مقرراتی وضع نمایند که از دامنه خشونت بکاهند. اما بعضاً به لحاظ مسایل فرهنگی و مذهبی، دولت‌ها نمی‌توانند با مقررات این اسناد همسو گردند. مانند سقط جنین زنان باردار که در حقیقت، اعمال خشونت نسبت به انسانی است که مقدمات حیات انسانی خود را در شکم مادر می‌گذارند. حال آن که مصوبات بین‌المللی براساس دیدگاههای مبتنی بر اصالت فرد همواره خواستار حمایت از سقط جنین زنانی است که ناخواسته باردار شده‌اند. ماده ۱۰۶ سند پکن در بخش «D» که بیان می‌کند از جمله اقداماتی که توسط دولتها با حمایت نهادهای بین‌المللی باید انجام پذیرد عبارتند از: «بررسی و بازنگری قوانینی که متضمن اقدامات جزائی علیه زنانی است که به سقط جنین غیر قانونی دست زده‌اند». در راهنمای آموزشی بین‌المللی «اقدام محلی، تغییر جهانی» در بحث «حق انسانی زنان در امور باروری و امور جنسی» می‌گوید: «برخی از جوامع دولتی و مذهبی قبول نداشتند که زنان می‌توانند برای خاتمه دادن به بارداری‌های ناخواسته تصمیم بگیرند... اما موضوع حق استقلال و اختیار زنان بر تن

خویش، زنگ خطر را برای بسیاری از تشکیلات مذهبی و سیاسی به صدا در آورد.^۱ علی ایحال با لحاظ اسناد بین‌المللی احصایی در مقدمه این نوشتار، به برخی از اسناد مقابله با خشونت علیه زنان اشاره می‌گردد:

الف) کنوانسیون بین‌المللی علیه معامله جنایتکارانه سفید پوستان (۱۹۰۴)

به دنبال پیروزی ایالات متحده در جنگ‌هایی داخلی که با هدف الغای بردگی صورت پذیرفت، ظاهراً دوران بردگی و تجارت برده در سراسر جهان رو به زوال گذاشت لیکن شکل وسیع‌تری از بردگی نوین که عبارت بود از استثمار نیروی کار انسانها با سوء استفاده از زنان و کودکان و نیز اجیر کردن آنها برای سوء استفاده‌های جنسی، به شدت رایج گردید. بدین لحاظ نخستین سند بین‌المللی در دفاع از حقوق زن در ۱۸ مه سال ۱۹۰۴ میلادی در پاریس تحت عنوان «کنوانسیون بین‌المللی راجع به تامین یک حمایت موثر علیه معامله جنایتکارانه موسوم به خرید و فروش سفید پوستان» با هدف مقابله با سوء استفاده جنسی از زنان و دختران و اجیر کردن آنها برای فحشا مورد تصویب قرار گرفت و دختران و زنانی را که برای خود فروشی به کشور دیگر برده شده بودند، به وطن اصلی خود عودت داده می‌شدند. در واقع، هدف اصلی این مقاوله نامه بیشتر متحد ساختن دولت‌های متعاقد جهت اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از انتقال دختران و زنان به خارج جهت فسق و روسپی‌گری بوده است. این مقاوله نامه اولین سند حقوق بشری که برای زنان به تصویب رسیده، است و از این لحاظ نه تنها به خاطر مسئله قاچاق زنان بلکه به خاطر تلاش جهت حفظ حقوق زنان مورد توجه قرار می‌گیرد. (عبادی، ۱۳۷۳: ۳۳)

ب) قرارداد بین‌المللی خرید و فروش سفید پوستان (۱۹۱۰)

در ۴ مه ۱۹۱۰ میلادی «قرارداد بین‌المللی راجع به خرید و فروش سفید پوستان» در پاریس به امضا رسید که در واقع مکمل کنوانسیون ۱۹۰۴ بود و به موجب آن هر کس برای انجام هوی و هوس دیگری زنی را ولو با رضایت خودش، یا دختر صغیری را برای فسق اجیر یا از راه عفت منحرف سازد، مجرم دانسته می‌شود و می‌بایست به مجازات برسد. همچنین فریب دادن یا اعمال زور و تهدید و مبادرت به وسایل جبری به منظور اجیر کردن زنان یا دختران کبیر برای فسق و منحرف کردن آنها از راه عفت جرم دانسته شده و مستحق مجازات است. (مرادی، کرمی، ۱۴۰۲: ۱۸۳)

۱. ر.ک. جولی، مرتوس و همکاران، آموزش حقوق انسانی زنان و دختران (اقدام محلی / تغییر جهانی)؛ مترجم فریریز مجیدی، ۱۳۸۲، چاپ اول، تهران، ناشر شرکت دنیای مادر.

پ) قرارداد بین‌المللی خرید و فروش نسون و کودکان (۱۹۲۱)

در سوم سپتامبر ۱۹۲۱، قرارداد بین‌المللی دیگری با عنوان «قرارداد بین‌المللی الغای خرید و فروش نسون و کودکان» با هدف تکمیل دو سند بین‌المللی قبل به تصویب تعداد قابل توجهی از دولتها رسید که بر اساس مفاد این قرارداد، متعهد شدند که اقدامات لازم را برای تجسس و مجازات کسانی که مبادرت به معامله نسون و کودکان می‌نمایند معمول دارند. مطابق این قرارداد حتی شروع به جرم معامله نسون و کودکان جرم شناخته می‌شود و مقرر شده ولو اینکه دولتهای متعاقد قرارداد استرداد مجرمین بین خود نداشته باشند، برای استرداد اشخاصی که متهم به جرایم فوق هستند اقدام کنند.

ت) قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از معامله نسون کبیره (۱۹۳۳)

با هدف تشدید اقدامات و تکمیل مفاد قراردادهای مذکور، در ۱۱ اکتبر ۱۹۳۳، قرارداد جدیدی با عنوان «قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از معامله نسون کبیره» در ژنو به امضای پاره‌ای از دولتها رسید که طی آن تصریح گردید: هرکس برای شهوترانی دیگری زن یا دختر کبیری را ولو با رضایت خودش برای فسق در مملکت دیگری اجیر، جلب و یا از راه غف منحرف سازد، ولو عملیات مختلفه که مبانی جرم محسوب می‌شود در ممالک دیگر صورت گرفته باشد، می‌بایست مجازات شود و شروع به ارتکاب جرم نیز قابل مجازات می‌باشد.

ث) کنوانسیون حقوق سیاسی زنان (۱۹۵۲)

حدود ۱۹ سال پس از امضا قرارداد ۱۹۳۳، در نتیجه وقوع تحولات خاص در صحنه بین‌المللی، زمینه تصویب سند بین‌المللی ویژه ای تحت عنوان «کنوانسیون حقوق سیاسی زنان» در ۲ دسامبر ۱۹۵۲، فراهم گردید و در واقع نخستین سند بین‌المللی مستقل در خصوص حقوق زنان به تصویب سازمان ملل متحد رسید. انگیزه تصویب این کنوانسیون تحقق اصل تساوی حقوق زن و مرد، شناسایی حق زنان مطابق با مردان برای شرکت مستقیم یا غیرمستقیم در انتخابات آزادانه نمایندگان خود و تامین برخورداری و بهره‌مندی مساوی زنان و مردان از حقوق سیاسی بر اساس بهره‌مندی مساوی زنان و مردان اعم از رای دادن، کاندیدا شدن بدون هیچ گونه تبعیض می‌باشد و زنان می‌توانند مناصب عمومی را عهده دار شوند و مبادرت به فعالیت‌های اجتماعی مانند مردان کنند. (خواجه پیری، ۱۳۸۵: ۱۱)

ج) قرارداد تکمیلی منع بردگی (۱۹۵۶)

در ۳۰ آوریل ۱۹۵۶، نیز با امضا «قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده فروشی و ترتیباتی که مشابه بردگی است» مفهوم بردگی که تا تصویب قرارداد ۱۹۳۳ میلادی به عنوان اجیر کردن و

معامله زنان و کودکان مورد استفاده قرار می‌گرفت، توسعه یافت و رسومی که به موجب آن ابوبین یا قیم یا خویشان و یا اشخاص دیگری وعده دهند و یا به زوجیت درآورند و در ازای آن وجه نقدی یا جنسی دریافت کنند و با اینکه شوهر یا اقوام یا طایفه وی حق داشته باشند که در مقابل اخذ وجه یا به طریق دیگری واگذار کنند و یا اینکه زن پس از مرگ شوهر به شخص دیگری به ارث برسد، از جمله رسوم و ترتیبات بردگی شناخته شد و دولتها متعهد ملزم به الغای کامل این رسوم گردیدند.

چ) اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان ۱۹۶۷^۱

اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان در ۷ نوامبر ۱۹۶۷ به اتفاق آراء به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. این اعلامیه دارای یک مقدمه و ۱۱ ماده است. در مقدمه اعلام می‌کند که با وجود منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و پیشرفت‌های حاصله در تساوی قانونی و حقوقی، هنوز هم تبعیض قابل ملاحظه‌ای وجود دارد و این امر مبنای ضروری برای تدوین این اعلامیه گشت. در قسمت دیگری از مقدمه آمده است که تبعیض علیه زنان با حیثیت انسانی و رفاه خانواده و اجتماع در تضاد است و مانع مشارکت یکسان و مساوی زنان و مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورشان می‌شود. (حکیم زاده، رجب زاده و ستوده، ۱۴۰۰: ۶۷-۶۶)

مهم‌ترین نکاتی که در اعلامیه رفع تبعیض از زنان آمده بدین قرار است:

- تاکید بر اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم توسط دولت‌ها برای محو عرف و عادات و مقررات و اعمال تبعیض‌آمیز علیه زنان و برقراری حمایت قانونی کافی از تساوی حقوق مردان و زنان خصوصاً با درج اصل تساوی حقوق در قانون اساسی کشورها و اجرای کامل مصوبات سازمان ملل متحد و سازمان‌های وابسته به آن؛...
- تامین کامل حقوق مدنی زنان مساوی با مردان خصوصاً در زمینه حق تملک، تصرف در اموال خود، احراز مقام‌های قضایی و حق آزادی رفت و آمد؛
- تامین اصل تساوی مقام زن و شوهر در امور مربوط به ازدواج و زناشویی؛
- لغو کلیه قوانین جزائی تبعیض‌آمیز علیه زنان؛
- مبارزه با معامله زنان و بهره‌برداری از آنان در جهت فحشا؛
- تامین و تضمین حقوق مساوی با مردان در فراگیری تحصیلات در همه سطوح با همه امکانات.

1. Declaration on the Elimination of the Discrimination against Women. (۱۹۶۷)

- تامین حقوق زنان نظیر مردان در زمینه حیات اقتصادی و سیاسی مانند حق تساوی دستمزد و رفتار مساوی در قبال کار با ارزش مساوی، استفاده یکسان از حقوق مربوط به کار، برخورداری از مزایای بازنشستگی و بیماری و بیکاری و تامین حق مسلم زنان در دوران بارداری و وضع حمل. (مظهری، ۱۳۹۸: ۱۱۱-۱۰۵)

در مجموع اعلامیه فوق تحول تاریخی جامعه بین‌المللی در زمینه دفاع از حقوق زنان محسوب می‌شود و لیست تقریباً کاملی از مسائل و اصولی را مطرح می‌کند که در آنها لزوم تساوی بین زن و مرد کاملاً محسوس است و گام مهمی در جهت ارتقای قوانین، رویه‌ها و عرف‌های تبعیض‌آمیز به شمار می‌رود ولی از آنجایی که در حقوق بین‌الملل، اعلامیه‌ها، علیرغم ارزش و جایگاه خاص خود به عنوان اعلام اراده عموم دولت‌ها در موضوع خاص، از نظر اجرایی واجد جنبه الزام و تعهد برای دولت‌ها نمی‌باشند، لذا عموماً برای اجرایی کردن اهداف مقرر در اعلامیه‌های بین‌المللی، کنوانسیون‌ها و میثاق‌هایی به تصویب می‌رسد که دولت‌ها با امضا و الحاق به آنها تعهداتی را در زمینه اعمال مفاد یک سند بین‌المللی بر عهده می‌گیرند.^۱ در خصوص اعلامیه رفع تبعیض هم به همین شیوه عمل گردید و برای اجرایی کردن آن «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. (خواجه پیری، پیشین: ۱۱)

ح) کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان^۲

کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طی قطعنامه ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ لازم الاجرا گردید. در مقدمه با یادآوری مطرح بودن مسأله تساوی زن و مرد از جهات مختلف و رفع هرگونه تبعیض بین آنها در برخورداری از مواهب زندگی و حقوق اجتماعی و سیاسی در همه اسناد حقوق بشری سازمان ملل از جمله منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و غیره و اشاره به قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و توصیه نامه‌های پذیرفته شده از سوی سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های تخصصی وابسته به آن در ارتباط با ارتقای تساوی حقوق زنان و مردان، ابراز نگرانی شده که به رغم همه این اسناد و ابزارهای مختلف، تبعیض گسترده علیه زنان ادامه دارد. بنابراین دول ملل متحد ابزار قوی تر، مقررات و ضوابط روشن تر و سند تعهدآور محکم تری را لازم می‌دانند که با درخواست دبیر کل سازمان ملل متحد از کمیسیون مقام زن، پیشنهاد کنوانسیون رفع تبعیض

۱. ر.ک. The united nations and the advancement of women, 1945-1995.

۲. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against women.

علیه زنان توسط این کمیسیون تدوین شد و در سال ۱۹۷۵ کنفرانس جهانی سال بین‌المللی زن، کمیسیون مقام زن را در انجام این کار تشویق کرد و یک برنامه کاری را تحت عنوان (کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، با روش‌های موثر برای اجرای آن) تصویب نمود. در ادامه کمیسیون کار، تنظیم کنوانسیون را دنبال نمود و در سال ۱۹۷۷ پیشنهادی تهیه شده را به مجمع عمومی سازمان ملل تقدیم کرد و سرانجام در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹، با عنوان «کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان» از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل گذشت. کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه نسبتاً مشروح و ۳۰ ماده است که در ۶ بخش تنظیم شده است. (مهرپور، ۱۳۹۵: ۲۴۵)

این کنوانسیون در راستای جلوگیری از اعمال تبعیض‌های ناروا علیه زنان تصویب شد که بر حقوق اساسی بشر و مقام و منزلت هر فرد انسانی صرف‌نظر از جنس و بر برابری بین مردان و زنان در عرصه زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأکید می‌کند. (جلالی، ۱۳۸۳: ۱۲۲)

کنوانسیون، انواع تبعیض‌ها علیه زنان را بیان می‌کند که دولتها موظفند اقدامات لازم و مناسب را برای رفع آنها فراهم آورند.

در ماده ۱، قائل شدن هرگونه تمایز، استثنا، محدودیت بر اساس جنسیت که به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آنها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، بر پایه مساوات با مردان، صرف‌نظر از وضعیت تاهل آنها، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً هدفش از بین بردن این وضعیت است، را تبعیض اعلام می‌دارد.

ماده ۲، دولتهای عضو، تبعیض علیه زنان را به هر شکل محکوم و موافقت می‌نمایند که بدون درنگ، بطرق مقتضی، سیاست رفع تبعیض علیه زنان را تعقیب نمایند و بر امور زیر تعهد می‌نمایند:

- گنجاندن اصل مساوات زن و مرد در قانون اساسی یا دیگر قوانین متناسب داخلی خود و اگر تاکنون چنین کاری انجام نشده حصول اطمینان از تحقق عملی این اصل؛

- اتخاذ تدابیر قانونی و غیره از جمله وضع ضمانت اجراهای مناسب به منظور جلوگیری از اعمال تبعیض علیه زنان؛

- حمایت قانون از حقوق زنان بر اساس تساوی با مردان و حصول تضمین و اطمینان از حمایت موثر زنان علیه هر نوع تبعیض، از طریق دادگاههای صالح ملی و دیگر موسسات عمومی؛...

- اتخاذ تدابیر لازم از جمله تدابیر قانونگذاری برای تغییر یا لغو قوانین، مقررات، عادات و

عملکردهایی که نسبت به زنان تبعیض آمیز هستند؛

- فسخ کلیه مقررات کیفری داخلی که تبعیض علیه زنان را دربردارند.

ماده ۳، دولتهای عضو در همه زمینه‌ها مخصوصاً در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اقدامات لازم از جمله قانونگذاری را اعمال خواهند کرد تا از توسعه و پیشرفت کامل زنان اطمینان حاصل کنند و برخورداری زنان را از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بر پایه تساوی با مردان تضمین کنند.

ماده ۵، دولتهای عضو را ملزم می‌نماید که در جهت تساوی حقوق زن و مرد، رفتارهای اجتماعی و الگوهای فرهنگی جامعه خود را نیز تغییر دهند و اصلاح نمایند. با اقدامات...

ماده ۶، «دولتهای عضو باید به هر نوع اقدام مقتضی از جمله وضع قانون دست بزنند تا از هر گونه معامله بر روی زنان و بهره برداری از فحشای آنان، جلوگیری نمایند.» و این اقدامات را انجام دهند «۱- کشورها به منظور جلوگیری از خرید و فروش زنان به هر شکلی و بهره کشی به شکل روسپی گری به همه اقدامات از جمله وضع قوانین توسل جویند. ۲- خرید و فروش زنان به مفهوم گسترده تعریف شود، به طور کلی بردگی جنسی را در ارتش و به شکل کلی، فریب زنان مهاجر و در سفارش زن از راه دور و ازدواج‌های دروغین را در برگیرد. ۳- اقدامات لازم جهت ممانعت از روی آوردن زنان و دختران به روسپی گری برای تأمین معاش به عمل آید».

ماده ۷ و ۸، به تساوی در زندگی سیاسی و عمومی در سطح ملی و بین المللی می‌پردازد. ... ماده ۹، دولتهای عضو به زنان حقوق مساوی با مردان در زمینه کسب، تغییر یا حفظ تابعیت می‌دهند.

ماده ۱۰ بطور گسترده و مبسوط به تساوی برخورداری زنان و مردان از امکانات آموزشی می‌پردازد. (منصوری و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۵۹-۲۶۰)

در ماده ۱۱، دولتهای عضو، باید اقدامات مقتضی را برای رفع تبعیض علیه زنان در زمینه اشتغال انجام و اطمینان دهند که حقوق یکسان در موارد زیر برای زنان رعایت می‌شود: حق کار و اشتغال بعنوان یک حق لاینفک حقوق انسانی؛ حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل، حق ارتقای مقام، برخورداری از امنیت شغلی و تمام امتیازات و شرایط خدمتی و...

در ماده ۱۲، دولتهای عضو باید اقدامات لازم را برای محو تبعیض علیه زنان در زمینه مراقبت‌های بهداشتی به عمل آورند و بر اساس تساوی بین زن و مرد دسترسی به خدمات بهداشتی از جمله تنظیم خانواده را تضمین کنند و خدمات لازم برای زنان در دوران بارداری، زایمان و دوران پس از زایمان تأمین نموده و در دوران بارداری و شیردادن، تغذیه کافی به آنها برسانند.

در ماده ۱۳، دولتهای عضو باید اقدامات مقتضی را برای محو تبعیض علیه زنان در زمینه‌های

زندگی اقتصادی و اجتماعی به عمل آورند و حق استفاده از مزایای خانوادگی؛ حق استفاده از رهن و وام‌ها و دیگر اعتبارات بانکی؛ حق شرکت در فعالیت‌های تفریحی، ورزشی و کلیه جنبه‌های زندگی فرهنگی را تامین کنند.

ماده ۱۵، در چارچوب ایجاد تساوی در مسائل قانونی و مدنی موارد زیر را مقرر کرده است:
 - دولتهای عضو تساوی زنان با مردان در برابر قانون را می‌پذیرند؛
 - دولتهای عضو در امور مدنی، همان اهلیت قانونی که مردان دارند به زنان داده و امکانات مساوی برای اجرای این اهلیت در اختیار آنان قرار می‌دهند؛...

ماده ۱۶، دولتهای عضو باید اقدامات زیر را بر پایه تساوی حقوق زن و مرد به انجام رسانند:
 حق یکسان برای انعقاد ازدواج، انتخاب آزادانه همسر و انعقاد ازدواج بر اساس رضایت آزاد و کامل طرفین؛ حقوق و مسئولیت یکسان در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن؛ حقوق و مسئولیت یکسان بعنوان والدین قطع نظر از وضعیت زناشویی آنان در موضوعات مربوط به فرزندان و در تمام موارد منافع کودکان اولویت خواهد داشت؛ حقوق و مسئولیت یکسان در رابطه با ولایت، حضانت، قیمومت کودکان و فرزند خواندگی؛ حقوق یکسان به عنوان شوهر و زن از جمله حق انتخاب نام خانوادگی، حرفه و شغل؛ حقوق یکسان برای هر یک از زوجین در رابطه با مالکیت، مدیریت، سرپرستی، بهره برداری و در اختیار داشتن اموال خواه مجانی و یا با داشتن هزینه،...

خ) اعلامیه رفع خشونت علیه زنان^۱

در دسامبر ۱۹۹۲، کمیسیون مقام زن شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل با دعوت از یک گروه اجرایی میان دوره‌ای متشکل از ۴۸ هیأت نمایندگی کشورهای مختلف، پیشنهاد اعلامیه رفع خشونت علیه زنان با نام اختصاری DEVAW را تهیه و مجمع عمومی نیز طی قطعنامه ۴۸/۱۰۴ در دسامبر ۱۹۹۳ آن را تصویب نمود. این سند بین‌المللی دارای یک مقدمه و شش ماده است که به طور خاص به خشونت علیه زنان پرداخته است. روز ۲۵ نوامبر که روز اعلامیه جهانی حذف خشونت علیه زنان بوده است را روز مقابله با خشونت علیه زنان نامیده‌اند. قسمتی از این اعلامیه به حمایت از برخی از گروههای زنان از جمله زنان متعلق به گروههای اقلیت، بومی، پناهنده و مهاجر و زنانی که در مناطق روستایی یا دورافتاده زندگی می‌کنند، زنان معلول، ناتوان و کهنسال و زنان در مناطق جنگی به طور ویژه در مقابل خشونت آسیب پذیرند، پرداخته است و در مقدمه، این درک و شناسایی بین‌المللی را تصدیق می‌کند که خشونت علیه زنان نقض حقوق بشر و در حقیقت شکلی از تبعیض نسبت به زنان است. ماهیت این اعلامیه صرفاً تقبیح خشونت بر زنان نیست بلکه راهکار و تدابیر قانونی، حمایتی و آموزشی به منظور مبارزه با همه اشکال

1. Declaration on the Elimination of Violence Against Women

خشونت نسبت به زنان را توصیه می‌کند.

در تدابیر قانونی این اعلامیه، دولتهای عضو متعهد شده‌اند که در صورت فقدان قوانین در راستای محکوم کردن گونه‌های مختلف خشونت بر زنان اقدام به وضع و تصویب قوانینی به منظور ممانعت و مجازات اعمال خشونت آمیز علیه زنان و اتخاذ سیاستها و رویه‌هایی کنند که از بزه دیدگی زنان جلوگیری و سلامتی و امنیت آنان را تضمین نماید. در بند (پ) ماده ۱ به وخامت خشونتهای جنسی توجه بیشتری نشان داده و تأکید کرده که دولتهای عضو در راستای پیشگیری، منع و رفع این گونه اعمال، اقدامات لازم را به عمل آورند و بر ضرورت ضمانت اجرای موثر و مجازاتهای مناسب در مورد تجاوز به عنف و سوء استفاده جنسی تأکید نموده است.

براساس ماده ۲، دولتهای عضو متعهد شده‌اند براساس قوانین و سیستم حقوقی داخلی خودشان به بررسی راه‌های مبارزه با حمل مواد مخدر با توسل به اجبار زنان و بهره برداری از فحشای آنان بپردازند. در این اعلامیه، پیشگیری و مجازات جرایم خشونت آمیز نسبت به زنان به قوانین داخلی خود کشورها واگذار شده است. با این حال در ماده ۴ به آسیب پذیر بودن زنان متهمی که در بازداشت به سر می‌برند و ممکن است به بهانه اخذ اقرار و جمع آوری دلیل از سوی مأمورین دولتی مورد تجاوز و خشونتهای جنسی قرار گیرند اشاره نموده و از دولتهای عضو می‌خواهد اقدامات مناسبی را جهت رفع خشونت نسبت به زنان بازداشت شده به کار گیرند.

در تدابیر حمایتی و به موجب ماده ۵، از دولتهای عضو خواسته شده است که امکان دسترسی زنان بزه دیده خشونت، به ابزارهای دادرسی عادلانه مانند حق مراجعه به دادگستری، حق داشتن وکیل معاضدتی، جبران خسارت مالی و غیرمالی مناسب برای زنان فراهم گردد و بر ضرورت ارائه خدمات مشاوره ای، بهداشتی و پزشکی به زنان بزه دیده خشونت، تأکید می‌ورزد و هدف از اقدامات حمایتی را افزایش سلامتی و بهداشت جسمی و روانی زنان بزه دیده خشونت بیان می‌دارد. همچنین تأکید دارد که دولتهای عضو بایستی برنامه‌های مداخله‌ای و خدمات روانی و اصلاحی خود را براساس حقوق و آزادی‌های بشر به منظور تعدیل و اصلاح برخوردها و رفتار دست‌اندرکاران قضایی و اداری با بزه دیدگان خشونت یا زنان در معرض خشونت توسعه دهند.

اعلامیه در مورد حمایت از زنان در جنگ‌ها، ماده ۱۵ خود را به بحث پیرامون وضعیت زنان در مناقشات مسلحانه اختصاص داده است و تأکید می‌کند دولتهای عضو بایستی آسیب پذیری زنان در برابر خشونت در وضعیت‌های تعارضات مسلحانه و نیز قتل عمد، شکنجه و تجاوز به عنف سیستماتیک، اسارت جنسی و آبستنی اجباری را مورد توجه خاص قرار دهند. براساس قسمت (الف) این ماده دولتها به منظور حمایت از زنان در جنگ، بایستی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و حداقل استانداردهای مربوط به حقوق بشر که در اسناد بین‌المللی ذکر شده است را

رعایت نمایند. از سوی دیگر دولت‌ها ملزم به تضمین امنیت زنان در طول جنگ‌ها و بعد از آن شده‌اند و بایستی امکان دسترسی به موقع زنان به کمک‌ها و همکاری‌های سازمانهای بشر دوستانه را فراهم نمایند و برای مرتکبین چنین اعمالی، مجازاتهای سخت و شدید تعیین و اجرا نمایند.^۱

همچنین از دیگر اسناد بین‌المللی مرتبط با منازعات مسلحانه برای حمایت از زنان در جنگ‌ها، مقررات مندرج در کنوانسیون‌های لاهه و ژنو، کار پایه عمل پکن ۱۹۹۵ و اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی می باشد. «تجاوز به عنف، بردگی جنسی، حاملگی اجباری، عقیم سازی اجباری، فحشای اجباری و هر شکل از خشونت همسنگ با آنها، اشکال مختلف جرایم جنسی در اساسنامه رم می باشد که این جرایم به عنوان یکی از عناصر مادی قابل ارتکاب در هر سه جرم نسل کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی ذکر شده اند.» (فانی و نخعی، ۱۴۰۳: ۸۹)

رویکرد دیگر اسناد بین‌المللی در برابر خشونت علیه زنان بر اساس کنفرانس‌های بین‌المللی زنان؛ اجلاس پکن +۵؛ نهادهای مشابه بردگی در اسناد بین‌المللی (قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده فروشی و نهادهای مشابه مانند کنوانسیون رضایت در ازدواج، حداقل سن و ثبت ازدواج، ممنوعیت ازدواج‌های اجباری در کنفرانس پکن و اجلاس ۲۰۰۰ زنان)؛ کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی (کنوانسیون پالرمو)؛ کنوانسیون پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی (کنوانسیون استانبول) و سند ۲۰۳۰، «تساوی جنسیتی و مبارزه با عدم تبعیض جنسیتی، حقوق برابر زنان و مردان و پیشبرد آن» می‌باشد و علت نقض اصل برابری حقوق و احترام به کرامت انسانی زنان «تبعیض» بوده که مانع برخورداری زنان از عدالت کیفری، شرکت در ابعاد مختلف زندگی و مانع شکوفایی و ارتقای توانایی و استعداد زنان است. این اسناد و تلاش برای ارتقای حقوق زنان و کاستن از خشونت علیه آنان، باعث تصویب قوانین حمایتی در اکثر کشورهای جهان شده است و «کمیسیون مقام زن سازمان ملل» نیز بر پیشرفت زنان و ارزیابی آن در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی نظارت دارد.

۲- اسناد داخلی حمایت از زنان در برابر خشونت

دیدگاه جمهوری اسلامی ایران در مورد زنان، طبق قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر اسلامی^۲ که به موجب آن «همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسؤولیت بدون هر گونه تبعیضی از لحاظ نژاد یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع

۱. در اغلب جنگ‌ها مانند جنگ رژیم صهیونیست با قتل عام و گرسنگی شدید زنان و کودکان بی دفاع غزه از اکتبر ۲۰۲۳ که در دید جامعه جهانی ارتکاب می یابد، نشان از نا کارآمدی این اعلامیه و دیگر اسناد بین‌المللی مربوط برای پایان جنایت جنگی و نسل کشی است.

۲. ر.ک. 2. Cairo Declaration on Human Rights in Islam.

اجتماعی برابرنند؛ در حیثیت انسانی زن با مرد برابر است و به همان اندازه که زن وظایفی دارد، از حقوق نیز برخوردار است و هیچ احدی حق به بردگی و بندگی کشیدن یا ذلیل و مقهور کردن او را ندارد؛...»، مشخص است.

قانون اساسی و قوانین متعددی مانند سیاست اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران؛ لایحه قانونی خدمت نیروی انسانی، درمانی و بهداشتی برای لحاظ امتیازات و تسهیلات برای بانوان؛ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران؛ قانون پنج ساله ششم و هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران؛ قوانین حمایت خانواده و جوانی جمعیت؛ قوانین کار و تأمین اجتماعی؛ قانون استخدام کشوری؛ قانون مبارزه با قاچاق انسان و بخصوص قانون مجازات اسلامی در مقابله با جرایم ارتكابی علیه زنان (زنا و تجاوز به عنف، قطع اندام جنسی و ازاله بکارت، اذیت و آزار و ضرب و جرح زنان باردار، ربایش زنان، توهین و تعرض در اماکن عمومی، ازدواج قبل از بلوغ، ازدواج اجباری، عدم ثبت نکاح، تدلیس در ازدواج)، جملگی در بیان حمایت حقوقی و کیفری از زنان می باشند.

قوانین جمهوری اسلامی علی‌رغم پیشرو بودن در حفظ کرامت زن نسبت به جوامع دیگر و غنای آموزه های دینی در حفظ امنیت روانی، جسمی و جنسی زن و اصول مترقی قانون اساسی، برخی اهداف مدنظر تحقق نیافته است. هرچند در قوانین مختلف به صورت پراکنده مقرراتی در این زمینه وجود دارد لکن تجمیع و انسجام آنها در کنار جرم انگاری اشکال جدید مزاحمت و تعدی به حقوق بانوان در محیط های مختلف، ایجاب می کند که تدابیر پیشگیرانه و حمایتی از یک سو و مقررات کیفری خاص از سوی دیگر تقویت و توسعه یابد. (خسروی، بسامی و قاسمی، ۱۴۰۱: ۹۳۶)

در همین راستا لوایحی (اصولاً یکی بوده ولی تغییراتی در متن و عنوان دارند) برای کاستن از میزان خشونت علیه زنان به تصویب رسیده است:

الف- لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت

این لایحه با عنوان قبلی «لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» یکی از لوایح مهم در زمینه امور زنان بوده که امید به کاهش خشونت و سوء رفتار علیه زنان حتی در محیط خانواده را تا حد زیادی افزایش می داد. در پنج فصل و ۷۷ ماده در سال ۱۳۹۹ در دولت به تصویب رسید و طبق آن، سوء استفاده از حقوق ناشی از ولایت، قیمیت، وصایت و سرپرستی از طریق وادار کردن زنان به ازدواج یا طلاق بدون رضایت به هر دلیلی از جمله حل و فصل اختلافات مانند ازدواج مبادله‌ای، ازدواج ناشی از خون‌بس یا اختلافات خانوادگی ممنوع و مجازات مرتکب، حبس یا جزای نقدی درجه شش بوده است. در این لایحه، تشکیل کمیته ملی صیانت، کرامت و تأمین

امنیت بانوان با حضور نمایندگان بیش از بیست دستگاه از دستگاه‌های اجرایی کشور و زیر مجموعه شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه و همچنین صندوق حمایت از بانوان پیش بینی شد تا در مواردی که خسارت یا آسیبی به بانوان وارد شود و به جهت عدم دسترسی یا عدم توان مجرم امکان جبران خسارت از ناحیه او نباشد، برای حمایت از بانوان آسیب دیده از محل اعتباراتی این صندوق، نسبت به جبران خسارت و ضرر و زیان‌های وارده به بانوان اقدام شود. در این لایحه طی پنج مبحث جرایم علیه تمامیت جسمانی، جرایم علیه حیثیت معنوی و روانی، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی، جرایم علیه حقوق و تکالیف خانواده و جرایم علیه حقوق و آزادی‌های مشروع زن بیان گردید. لایحه مذکور در کمیسیون اجتماعی مجلس با طرح «صیانت، کرامت و تأمین امنیت در برابر خشونت»، ادغام و تحت عنوان لایحه «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» به مجلس تقدیم شد.

ب- لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار

کلیات لایحه مزبور در روز بیستم فروردین ۱۴۰۱ در مجلس تصویب شد. این لایحه از پنج فصل و ۵۱ ماده تشکیل شده که به ترتیب مقررات عمومی، تدابیر حمایتی و پیشگیرانه، نظارت و پایش، جرایم و مجازات‌ها و نهایتاً آیین دادرسی می باشد. در مجموع، حمایت حقوقی از زنان فاقد شناسنامه، رسیدگی خارج از نوبت به جرایم آسیب و سوءرفتار علیه زنان توسط مراجع قضایی و انتظامی، الزام به پرداخت تمام هزینه درمان زنان آسیب‌دیده توسط شخص بزه‌کار، پیگیری و پایش زنان آسیب‌دیده از جمله مواردی است که در بخش مفاد حمایتی و پیشگیرانه در این قانون پیش بینی شده است. علی‌رغم تلاش‌های انجام گرفته در زمینه پیشگیری و پیکار با خشونت علیه زنان، مهمترین انتقادهای بنیادین وارد بر این لایحه را می‌توان نقش کم‌رنگ آموزش برای پیشگیری از خشونت علیه زنان، عدم اتخاذ رهیافتی چند جانبه برای پیشگیری از خشونت علیه زنان، چیرگی نگاه تقلیل گرایانه به خشونت علیه زنان و نبود نگاهی حق مدار در قبال انسانها و به طور خاص زنان در متن و روح لایحه دانست. (مرادی، کرمی، ۱۴۰۲: ۲۹)

در بررسی این لایحه در مجلس اگرچه نمایندگان مخالف بر این باور بودند که برخی مواد آن با کنوانسیون‌های بین‌المللی در حوزه زنان شباهت‌هایی دارد و تحت فشار اسناد بین‌المللی تدوین شده و از مشخص نبودن تعریف آسیب دیدگی زنان و رویکرد زن محوری، به این لایحه انتقاد کردند اما کلیات آن ۱۹۰ رأی در مجلس کسب کرد تا سوء رفتار با زنان رفع و قانونمند گردد. این لایحه برای بازبینی به کمیسیون اجتماعی ارجاع گردید و با تمایل کمیسیون به تغییر عنوان آن به «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان و خانواده»، دولت در مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ با توجه به تغییرات اساسی در ساختار و ماهیت لایحه، آن را استرداد کرد تا پس از بازنگری و ارائه مجدد به مجلس به انجام برسد.

۳- مقایسه لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان با اسناد بین‌المللی

موضع ایران در برابر اسناد بین‌المللی حوزه حقوق زنان مشخص است، به برخی از این اسناد ملحق و آنها را تصویب نموده؛ به عضویت بعضی کمیسیونها مانند کمیسیون مقام زن سازمان ملل درآمده (پیرو حوادث سال ۱۴۰۱، ایران از این کمیسیون اخراج گردیده)؛ بعضی اسناد را با حق تحفظ پذیرفته یا اصلاً قبول نکرده؛ گاهی سندی مثل ۲۰۳۰ را بدون طی مراحل قانونی، امضا و تعهداتی را در قبال عوامل نظارتی آن قبول نموده و وضعیت خود را گزارش می‌نماید مانند گزارش دوره ای جهانی (یو پی آر) جمهوری اسلامی ایران.^۱

با بررسی این لایحه و رویکرد اسناد بین‌المللی در مقابله با خشونت علیه زنان، می‌توان شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را احصاء کرد.

الف- شباهت‌ها

همه اسناد بین‌المللی که خواهان رفع محدودیت‌های زنان، منع خشونت علیه زنان و تکریم زن در جامعه بشری هستند، هدف شان برچیدن تبعیض، محدودیت و همه اشکال خشونت علیه زنان است. (محمودی، مجیدی، ۱۴۰۱: ۱۲۳) در کنوانسیون‌های بین‌المللی، بین مرد و زن فرقی وجود ندارد مگر در جنسیت طبیعی و تفاوت در جنسیت، معیاری برای تفاوت در حقوق زن و مرد به لحاظ حقوق و ارزشهای انسانی نیست. مهمترین اسناد بین‌المللی حمایت از زنان، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و اعلامیه رفع خشونت علیه زنان است که با لایحه شباهت‌هایی دارد:

- در تعهد و تأکید به جلوگیری از خشونت علیه زنان برای حفظ حقوق و کرامت انسانی آنان و تضمین و تأمین حقوق زنان با استفاده از ابزار و نهادهای حمایتی و تعیین مجازات برای متجاوزان؛

- مقام و منزلت زن در این اسناد و لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی، یکی است و هر دو خواهان آزادی‌های مشروع و رعایت حقوق اساسی زن هستند. تفاوت این دو سند در قلمرو قانونی آنهاست. در کنوانسیون، مخاطب آن دولتهای عضو هستند و در لایحه، نهادهای سازمانهای داخلی.

- در هر دو سند، خشونت علیه زنان تقبیح شده است. هر چند در کنوانسیون از جبران خسارت صحبت نشده است، اما در ماده ۹ لایحه، ایراد آسیب و خسارت بر زنان به صورت دیه قابل جبران است و مازاد بر آن از «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» موضوع این لایحه

۱. (یو پی آر) جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۵)

پرداخت می‌شود.

- در ماده ۱۰ کنوانسیون و ماده ۱۱ لایحه، به موضوع تحصیل زنان تصریح شده و در هر دو، دولت مکلف به تامین فرصت تحصیلی و منع خشونت در محیط آموزشی است.

- حق اشتغال زنان در ماده ۱۶ لایحه و ماده ۱۱ کنوانسیون مورد پذیرش قرار گرفته. در لایحه، امنیت محیط شغلی زنان شاغل در برابر خشونت جنسی بیشتر مورد توجه است. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، پزشکی قانونی، بهزیستی، زندان و مراکز حرفه آموزی و... متولی پیشگیری از خشونت و سوء استفاده جنسی از زنان شناخته شده اند. در واقع، لایحه در صدد آن است که حقوق زنان در محیط های اداری رعایت و مورد احترام باشد. حتی در ماده ۳۲ و تبصره اش، صرف پیشنهاد برقراری رابطه نامشروع به زن در صورتی که مستوجب حد باشد یا پیشنهاد از سوی کارکنان دستگاه های اجرایی در محیط کار و یا از سوی اعضای تشکل های مردم نهاد صورت گیرد، جرم انگاری شده که اثباتش مشکل و تنش زا بوده؛ شأن دستگاه و کارمند دولت را با وجود سلامت محیط اداری و نیز شعور و توانایی خود زن را در دفاع از حیثیت و شرافتش زیر سؤال می برد. در حالیکه موضوع مغفول در لایحه «تبعیض» در محیط کار و عدم اعطای سمت های میانی و ارشد مدیریتی به بانوان علیرغم توانایی و شایستگی برای ارتقا و کسب مدارج عالی است.

- در مواد ۲۸ الی ۴۷ لایحه، مجازات جرایم احصاء شده در ماده ۲۸، که با سوء استفاده از جنسیت یا موقعیت آسیب پذیر زنان ارتکاب می یابد را تشدید کرده؛ جرم انگاری های جدید و کیفر گذاری نموده؛ عوامل مشدده مجازات (ارتکاب جرم نسبت به زنان به صورت سازمان یافته، ربودن، استفاده از سلاح یا عکس و فیلم...) را ذکر کرده. ولی کنوانسیون جرم انگاری خشونت و اعمال مجازات را از قواعد عمومی و قواعد آمره داخلی کشورها دانسته و سیاست جنایی در زمینه منع خشونت و تعیین مصادیق خشونت را بر عهده دولتهای عضو قرار داده است و بدین لحاظ قانونگذار ایران قصد دارد ضمانت اجرای مقررات کنوانسیون، در نظام داخلی را از طریق تصویب لایحه معنون تحقق بخشد و حسب نوع خشونت و میزان آسیب بر جسم و روان زنان، مجازات عاملان خشونت و بخصوص خشونت جنسی را تعیین نماید.

ب- تفاوتها

۱- لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان تعریفی از خشونت ارائه نکرده و قلمرو آن در مقابله با خشونت علیه زنان نسبت به مفهوم خشونت در کنوانسیون محدودتر است و بیشتر به تعیین جزئیات مجازات مرتکبین خشونت علیه زنان پرداخته است و از نظر ضمانت اجرای مقررات پیشگیری از خشونت علیه زنان، مصادیق خشونت را تعیین و هرنوع رفتاری که به جسم و روان

زنان آسیب برساند را جرم انگاری کرده است. دیگر تفاوت هایشان نوع مجازات‌ها با لحاظ معاذیر شرعی در قوانین ایران و موقعیت زنان برای دسترسی به عدالت می باشد. ضمناً متن و عنوان لایحه همانطور که پیشتر بیان شد، بارها دچار تغییرات اساسی شده است:

الف- سال ۱۳۹۶: لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت

این لایحه مستقیم به دو کلید واژه اصلی موضوع اشاره می کند: امنیت و خشونت. این کلمات کلیدی در طی سال‌ها دستخوش تغییر شدند و در آخرین نسخه تغییر یافته از سوی مجلس، هر دو کلمه حذف شدند. این عنوان با عبارتی کوتاه و روشن مشخص می کرد می‌خواهد به چه مسأله‌ای بپردازد.

ب- سال ۱۳۹۷: لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت زنان در برابر خشونت

در این سال دولت لایحه را به قوه قضاییه ارسال داشت و با بررسی های تخصصی در این قوه، تغییراتی در متن و نیز در عنوان لایحه با افزودن کلمات صیانت و کرامت داده شد.

پ- سال ۱۳۹۹: لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت

در این عنوان کلمه «امنیت» و «صیانت» حذف شد. احتمالاً طراحان لایحه محکوم شدند به سیاه نمایی و پررنگ کردن نبود امنیت برای زنان در جامعه که مجبور به حذف آن شدند.

ت- سال ۱۴۰۱: لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار

در این سال کمیسیون اجتماعی مجلس، لایحه دولت را با طرح خود، با عنوان «صیانت، کرامت و تأمین امنیت در برابر خشونت» (همان نسخه لایحه در قوه قضاییه) ادغام و تحت عنوان لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» به مجلس تقدیم و کلیاتش در ۱۴۰۱/۰۱/۲۰ تصویب و برای بازبینی به کمیسیون اجتماعی ارجاع گردید.

ث- سال ۱۴۰۴: پیشنهاد عنوان «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان و خانواده» و استرداد لایحه

نمایندگان عضو کمیسیون اجتماعی مجلس پس از بحث و بررسی فراوان تصمیم گرفتند به کل هدف لایحه را سمت و سویی دیگر سوق دهند و از «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» برسند به «حفظ کرامت و حمایت از زنان و خانواده». با این اعتقاد که مباحث مربوط به خشونت‌های وارده به زنان در همه زمینه‌ها آنقدر پررنگ و با اهمیت نیستند که در عنوان لایحه به آن پرداخت و صرف اشاره به «سوءرفتار» کفایت می کند. اصلاح کنندگان لایحه منع خشونت

در مجلس معتقد بودند مباحث لایحه فوریتی ندارد و با لایحه ۳۰ ماده‌ای که تمرکزش به جای امنیت زنان و کاهش خشونت علیه آنان، بر تقویت نهاد خانواده و ایجاد دستورالعمل برای پوشش کارکنان سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مختلف است، می‌شود سروته قضیه را هم آورد. (محمدزاده، حاجی علی خمسه، ۱۴۰۱: ۶۳-۶۱)

در حقیقت، متن و عنوان لایحه اخیر بیان نمی‌کند که دولت ایران، طبق کدام کنوانسیون بین‌المللی به تعهد خود در مقابله با خشونت علیه زنان عمل می‌کند. ضمن اینکه خشونت علیه زنان کنار گذاشته شده و دامنه لایحه از زنان به کل اعضای خانواده تسری یافته که بر خلاف اهداف کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان و اعلامیه منع خشونت علیه زنان است.

۲- تفاوت مهم دیگر لایحه با اسناد بین‌المللی آن است که در صورت ایراد خشونت علیه زنان، مجازات مرتکبین خشونت بر مبنای حد، قصاص، دیه و تعزیرات موضوع ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی قرار می‌گیرد که طبق این تقسیم بندی در رسیدگی به جرایمی که مجازات آنها در شرع مشخص و در قانون آورده شده، زنان با مردان در برخی موارد مانند قسم، شهادت، مجازات، میزان دیه و غیره تفاوت‌هایی دارند. البته تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی، پرداخت مابه التفاوت دیه زن را تا سقف دیه مرد مقرر داشته است. در حالیکه در اسناد بین‌المللی به برابری زنان و مردان اشاره شده است و دولتهای عضو متعهد به رفع تبعیض از هر لحاظ را در قلمرو خود هستند.

از طرفی، اگر هدف مقنن از مجازات مرتکبین خشونت، جبران خسارت مادی و معنوی باشد، به منزله محو خشونت نیست ولی صرفاً بازدارنده تلقی می‌شود و مجازات‌های حدی مانند رجم، صرفنظر از شرایط سخت مقرر برای اثبات جرم و اجرای آن، احکامی هستند برای حفظ حیات بشر، ارضای غرایز جنسی (نه لذت جنسی) در کانون خانواده و جلوگیری از اشاعه فساد و فحشاء. در مقدمه لایحه، هدف قانونگذار حفظ کرامت و منزلت زنان و حمایت در برابر رفتارهای خشونت آمیز، تحکیم مبانی و حفاظت از کیان خانواده است. اما مدر مواردی مانند خشونت‌های خانگی منجر به طلاق و جدایی زوجین، کیان خانواده حفظ نمی‌گردد و لذا تدابیر پیشگیرانه، مهمترین عامل بقای خانواده است. در حالیکه در اسناد بین‌المللی خود زن محوریت دارد.

۴- چالش‌های لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار

در ایران، زنان تحت حمایت قانون بوده ولی این قوانین بعضاً پاسخگوی شدت و وخامت برخی جرایم ارتكابی علیه زنان از سوی خانواده یا جامعه نیست.

۴-۱- خشونت خانگی، علیرغم وجود خشونت‌های خانگی در ایران، حمایت قانونی ویژه

حتی در تعریف و بیان مصادیق خشونت خانگی از جمله ازدواج‌های اجباری یا ازدواج‌های سستی با عنوان خون بست یا ناف بر که موجب ورود آسیب‌های شدید جسمی و روانی بر دختران می‌شود، بعمل نیامده و صرفاً مراجعه به قوانین عام کیفری امکان‌پذیر است.

در حقوق ایران جایگاه نهاد خانواده مبهم است؛ از یک طرف قانون اساسی به موضوع خانواده می‌پردازد و در اصل ۱۰ استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی را تجویز می‌کند. بند ۳ اصل ۲۱ قانون اساسی، دولت را ملزم به ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده می‌کند و به عبارت دیگر، قانون اساسی لزوم سختگیری در وقوع طلاق را تجویز می‌کند. از طرف دیگر، قانونگذار ظرافت‌های خشونت خانگی را نادیده می‌گیرد و به آن تنها در چارچوب عناوین عام مجرمانه مانند ضرب و جرح، ترک انفاق، توهین، فحاشی، کذب می‌پردازد؛ درحالی‌که اولاً تنوع خشونت خانگی خیلی بیش از این است و برای مثال خشونت روانی به توهین و فحاشی خلاصه نمی‌شود یا تنها مصداق خشونت اقتصادی، ترک انفاق نیست و خشونت‌هایی که در سطح خرده فرهنگها مصداق دارد مانند خون بس و ناقص سازی جنسی، توسط قانونگذار ممنوع نشده است؛ ثانیاً چون خشونت خانگی در حریم خانواده واقع می‌شود، اثبات آن از طریق ادله سنتی اثبات دعوا که مورد قبول نظام حقوقی و قضایی است، بسیار دشوار می‌نماید؛ ثالثاً سازوکار مداخله چه حین وقوع خشونت و چه پس از آن عمدتاً جنبه مشاوره‌ای و غیرمداخله‌ای دارد؛ رابعاً استثنایی بودن سازوکار اسکان، منجر به بازگردان قربانی به محل سکونت مرد متهم، پس از ورود قربانی به فرایندهای قضایی می‌شود و این زمینه تداوم خشونت، منصرف شدن قربانی از التجا به مقامات رسمی و وقوع خشونت جدید را فراهم می‌سازد. (نجفی، ۱۴۰۰: ۵۵۵)

زن متاهل به عنوان یکی از اعضای آسیب‌پذیر، آماج مطلوبی برای ارتکاب جرم در خانواده محسوب می‌شود. لذا نیازمند اقدامات قانونگذار در راستای حمایت از حقوق و کرامت زوجه در خانواده و اتخاذ یک سیاست جنایی افتراقی منسجم و هماهنگ است. میزان انطباق سیاست جنایی تقنینی ایران با یک سیاست افتراقی منسجم و کارآمد نیازمند مذاقه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و لایحه پیشنهادی تعزیرات است تا ضمن بررسی وضعیت موجود، موجبات حمایت کیفری افتراقی از زوجه در قبال جرایم درون خانوادگی، از طریق انجام اصلاحات پیشنهادی با هدف افزایش هزینه کیفری ارتکاب جرم فراهم گردد. (عظیم زاده اردبیلی، ریاضت، ۱۳۹۴: ۴۵)

در حقوق کیفری ایران عدم تعریف خشونت خانگی نقصی است که وجود داشته و در لایحه مذکور نیز مورد غفلت قرار گرفته است. البته قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴ به طور کلی به پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و سیاستگذاری در این زمینه پرداخته اما اشاره‌ای به نحوه پیشگیری از این جرم نکرده است. در صورت جرم انگاری خشونت خانگی، از

جمله مصادیق آن همسرآزاری خواهد بود. حالتی که مردانی با تحقیر و تخفیف و استفاده از الفاظی که توهین هم تلقی نمی شود، چنان زن را به ستوه می آورد که شده دست به خودکشی بزند اما جرم تلقی نمی شود و اگر اقدام به شکایت نماید این نحو رفتار در قالب هیچ یک از عناوین مجرمانه قرار نمی گیرد و پذیرش درخواست طلاقش به لحاظ عسر و حرج نیز مشکل است.

اگرچه برخی مقررات مانند ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی، ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی و لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، به نوعی به پیش‌بینی خشونت خانگی اشاره دارد اما این قوانین توانایی مقابله مؤثر با خشونت خانگی را ندارند. به هر حال تصویب قانونی جامع در پرتو یک سیاست جنایی افتراقی و منسجم و کارآمد برای مقابله با خشونت خانگی با تأکید بر آموزش صحیح به نسل امروز و فرهنگ سازی با مشارکت سازمان های مردم نهاد (سمن ها)، ضروری است و گامی مؤثر برای مقابله با آن می باشد. سامانه مشارکت عدل ایران قوه قضاییه بدین منظور راه اندازی شده است و «دستورالعمل نحوه مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه مصوب ۱۳۹۸/۱۲/۰۵ رئیس قوه قضاییه» نیز برای تقویت رویکرد مشارکت مدارانه در فرایند پیشگیری از جرم و مقابله با بزه کاری تصویب شده است که مشارکت نهادهای مردمی در زمینه پیشگیری از جرم، سازش میان نقش آفرینان دعوای کیفری، حمایت از بزه دیدگان، بازپروری مجرمان و اجرای عدالت کیفری راهبرد مهمی است که به تأمین امنیت جامعه و بخصوص زنان آسیب دیده می انجامد.

شناخته شدن به عنوان قربانی جرم، ابتدایی ترین حقی است که زنان بزه دیده خشونت‌های خانگی از جامعه طلب می کنند. مثلاً باید به ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی درباره قتل ناموسی و ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی درباره قتل فرزند (دختر) اشاره کرد. زنان و دختران به دلیل خلاء قوانین بازدارنده، مورد خشونت خانگی واقع می شوند. در اغلب قتل های ناموسی، مرتکب پدر، همسر یا برادر مقتول می باشند که در دو مورد اول، امکان سقوط قصاص وجود دارد. این در حالی است که در جرم انگاری پدیده های مجرمانه باید جوانب و احوال مختلف را در نظر گرفت. در حقیقت، بایستی شدت مجازاتها با میزان ریسک جنایت مطابقت داشته باشد تا بزهکار در محاسبه رفتار مجرمانه، فایده و نفع جنایت را کمتر از مجازات ببیند. البته اخیراً لایحه مربوط به تشدید مجازات پدر در صورت قتل فرزند به تصویب رسیده است که طبق این لایحه حداکثر مجازات، ایجاد محدودیت در سرپرستی اطفال دیگر و عدم شمول ارفاق را در بر می گیرد. با این حال، می توان گفت که سیستم قضایی در برخورد با قتل های ناموسی، عموماً سختگیر نیست. (استادهاشم، ۱۴۰۱: ۷۳) حذف ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی که جرم زاست و همسرکشی را به تشخیص خود مرد، حق او می داند قابل تأمل است زیرا با حذف این ماده، موارد خاص با بند

ث ماده ۳۰۲ قانون مذکور «زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار» بعنوان مصداقی از مهدورالدم قابل مدیریت می باشد.

۴-۲- به کارگیری مفاهیم مبهم و غیرشفاف، ضعف دیگر لایحه مزبور است. مفاهیم و عبارتهایی مانند «آزار روحی و روانی» ماده ۳۴، «توهین» ماده ۳۶ و در تبصره همین ماده «تحقیر»، «مزاحمت»، «اجبار»، «اکراه»، «تهدید»، «فریب»، «اغفال»، «تحریک»، «سوءاستفاده از قدرت» و «آزار روحی» در ماده ۴۱ و نیز در تعریف خشونت در ماده ۱ بند ۴ لایحه، تعریف و مصداق مشخصی وجود ندارد و با افزایش تفسیرپذیری قضایی و حقوقی، راه را برای برداشتهای متفاوت و سلیقه‌ای باز می‌کند که تشتت در صدور و انشای رأی را به همراه دارد. (خزائی، کرمی، ۱۴۰۲: ۲۱۰)

به نظر می‌رسد که در متن لایحه از رویکردهای فمینیستی اسناد اروپایی حقوق بشری تبعیت شده است در حالی که خشونت و انواع آن در جامعه ایرانی و مفهوم خانواده متفاوت از دو مفهوم خشونت و خانواده در سایر جوامع است. بعنوان مثال، دغدغه مندی و نظارت زوج بر فعالیتهای خارج از منزل زوجه (مانند اشتغال) نه تنها مصداقی از خشونت نبوده، بلکه به عنوان یک امر موجه و نشانی از وجود علقه میان زوجین تلقی می‌شود. (محمد زاده، بکشلو و عیسی زاده، ۱۴۰۰: ۳۳)

نگرش اسناد بین المللی بر خشونت در خانواده یک نگرش منفی است و وضعیت زنان ایرانی مشابه وضعیت زنان در کشورهای اروپایی نیست. مطالعه متن لایحه نشان می‌دهد تامین امنیت برای زنان بیشتر در جوامع شهری (ماده ۱۸، ۱۹ و ۲۰) و یا در محیط کار (مواد ۱۴، ۱۶ و ۳۷) مدنظر بوده است و تنها در ماده ۱۰ لایحه به زنان کوچ نشین یا عشایر و روستایی توجه شده است. لایحه مزبور به وضعیت ازدواج تحمیلی و ناخواسته زنان و کودک همسری که در جامعه ایرانی به کرات دیده می‌شود، اشاره ضعیفی دارد. (ماده ۴۰ لایحه) این مساله نشان می‌دهد که قانونگذار با علل و دلایل رخداد این پدیده ها و مساله قومیت‌ها و فرهنگهای بومی و سایر سنت‌های متکثر و متنوع جامعه بیگانه است. این نگرش بر خشونت علیه زنان، فقط بخشی از زنان را شامل می‌شود و بسیاری از انواع خشونت‌های پنهان در دل خانواده ها مغفول مانده است. بسیاری از جرایم علیه زنان به دلایل ناموسی، حیثیتی و دلایل دیگر گزارش نمی‌شوند (خشونت خاموش). وضعیت خانواده در اسناد بین‌المللی ناشی از خانواده در فرهنگ غربی است. در کشورهای دیگر به لحاظ اقتصادی، اتکای مالی زن بر مرد بمانند اتکای زن ایرانی بر شوهر خویش نیست و در فرهنگ ایرانی، تأمین معاش زن در زمره وظایف و تکالیف مرد و امری مطلوب شناخته می‌شود. (همان: ۴۳) این بی توجهی‌ها نشان می‌دهد که به فرهنگ ایرانی در مقابله با خشونت توجه نشده است. (محمد زاده، بکشلو و عیسی زاده، ۱۴۰۰: ۵۱)

آنچه در اسناد بین‌المللی از خشونت تعبیر شده است، بر مبنای فهم خشونت از جوامع مترقی غربی است و اتخاذ تصمیمات و اعمال سیاست جنایی مبتنی بر اسناد بین‌المللی نمی‌تواند در برابر کاهش خشونت علیه زنان در جامعه اسلامی ایرانی توفیق چندانی داشته باشد. مگر آنکه این اسناد بومی سازی شوند و به موجب همین لایحه با رفع ایراد و ابهامات و نقایص آن، قانونی جامع و منسجم را با عنوان «قانون مقابله با خشونت علیه زنان» تصویب کرد.

استفاده از کلماتی مثل آسیب و سوء رفتار که در ترجمه معنی دیگری می‌دهد به جای کلمه خشونت صحیح نیست و نباید از درج این کلمه و نیز عبارت خشونت علیه زنان در عنوان قانون و سندی که فرصت ارائه دیدگاه اسلام و قانون اساسی در عرصه بین‌المللی است، تردیدی نمود. ما با حق تحفظ به برخی از کنوانسیون‌ها ملحق شده ایم و اگر قانون خاصی نداشته باشیم با عنایت به اینکه بسیاری از اعمال و اقدامات این کنوانسیون‌ها به صورت رویه در میان ملل مختلف درخواهد آمد شرط تحفظ نیز جوابگو فشار بین‌المللی در پذیرش این اسناد نخواهد بود. در حالیکه با داشتن قانونی جامع که دستیابی زنان به برابری حقوق طبق شرع و قانون اساسی را بهتر تامین کند نیازی به تبعیت محض از اسناد بین‌المللی نیست. مطابق ماده ۲۳ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، «هیچ چیز در این کنوانسیون بر مقرراتی که برای دستیابی زنان و مردان به برابری مفیدتر و مؤثرتر وجود دارد تأثیر نخواهد گذاشت؛ این مقررات می‌تواند شامل موارد زیر باشد: الف) قوانین یک دولت عضو؛ ب) هر کنوانسیون، پیمان یا موافقت‌نامه بین‌المللی دیگری که برای آن دولت لازم‌الاجراست».

۳-۴- رویکرد لایحه «زن محوری» است، حمایت از زن و شناخت ابعاد وجودی او، بدون توجه به «خانواده» و نقش «مادری» و «همسری» کامل نبوده و چهره غیر واقعی از «زن ایرانی و کرامت او» را جهانی می‌نماید. در اندیشه و منویات مقام معظم رهبری، زنان در کنار نقش همسری و مادری، حق فعالیت در تمامی عرصه‌ها را داشته و می‌توانند به پیشرفت و ارتقای لازم حتی مرجع تقلید در احکام زنان، نایل شوند.^۱

۴-۴- برخی جرم‌انگاری‌های این لایحه با رسالت خانواده سازگار نیست، با وجود قوانین حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ و ۱۳۹۱ و ۱۴۰۰؛ قانون مدنی در باب نکاح و طلاق و اولاد؛ تدابیر حمایتی و پیشگیرانه این لایحه، نیازی به واکنش کیفری نبوده مگر به جهت ضرورت مانند واکنش در برابر قتل‌های ناموسی در ماده ۲۹ لایحه، هر چند به این نوع قتل تصریح ندارد. ۴-۵- لایحه با قوانین دیگر تعارض و هم‌پوشانی دارد، مانند تشدید بلاجهت مجازات توهین و اهانت به زن و ترک انفاق زوجه در حالیکه در قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت خانواده

۱. دیدار مقام معظم رهبری با اқشار مختلف بانوان در آستانه‌ی ولادت حضرت زهرا (س) و روز زن، ۱۴۰۳/۰۹/۲۷
<https://farsi.khamenei.ir/print-content?id=58656>

کیفرش تعیین شده؛ در ماده ۳۴ لایحه، اکراه زن به ازدواج با دیگری به هر دلیل و برای حل و فصل اختلافات مانند خون بس، جرم انگاری شده. صرف استفاده از خون بس جایی که فصد و فدیة را در همین ردیف داریم، ایراد دارد؛ در ماده ۳۶ لایحه، تشویق، ترغیب، تحریک، تطمیع یا اکراه به استعمال مواد مخدر و روانگردان یا وادار به تکدی گری زنان، جرم انگاری شده. درج خوراندن مشروب الکلی به زنان، لازم بود که مغفول مانده و جرم تکدی گری در قانون خاص متروک و ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی وجود دارد؛ در ماده ۳۷ لایحه، تشویق، ترغیب، تحریک، تطمیع یا اکراه زن به سقط جنین جرم انگاری شده. در حالیکه این جرم با جوانب آن در قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، وجود دارد؛ در مواد ۴۶ تا ۵۰ لایحه، آیین دادرسی خاص حمایت از زنان آسیب دیده و بزه دیده وضع شده ولی به عدالت ترمیمی با مشارکت مردم، شوراهای حل اختلاف، داوری و میانجیگری توجه خاص نشده است.

نتیجه گیری

سیاست جنایی تقنینی ایران با توجه به قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی، در مقابله با خشونت علیه زنان در لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» تبیین شده و کلیات این لایحه با وصف انتقاداتی نسبت به آن حتی از حیث تعریف نشدن آسیب دیدگی، در مجلس تصویب گردیده که به دلایل ذیل لایحه ای مهم در زمینه حقوق زنان می‌باشد:

۱- با تکلیف و تکرار وظایف دستگاه‌های دولتی و مشارکت نهادهای مردمی، سعی دارد که زنان این سرزمین با تفاوت‌های فرهنگی، دینی و اقتصادی در برابر آسیب و خشونت، از تدابیر پیشگیرانه، حمایتی و کیفری این قانون و اصل ۱۰ و ۲۱ قانون اساسی با محوریت خانواده برخورداری گردند.

۲- برای هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی و مرتبط، راه اندازی «پنجره واحد ارائه خدمات حمایتی هوشمند و توانمند سازی افراد آسیب دیده یا در معرض آسیب موضوع این قانون» مقرر شده.

۳- مجازات جرایم احصاء شده در ماده ۲۸ که با سوء استفاده از جنسیت یا موقعیت آسیب پذیر زنان ارتکاب می‌یابد را تشدید کرده؛ جرم انگاری‌های جدید نموده؛ عوامل مشدده مجازات (ارتکاب جرم به صورت سازمان یافته، ربودن، استفاده از سلاح یا عکس و فیلم...) را ذکر کرده تا با اجرای عدالت کیفری، به فرهنگ سازی و ترویج ارزش و کرامت انسانی زنان اهتمام نماید.

۴- زنان بزه دیده را برای وصول دیه و هزینه‌های درمانی در صورت اعسار مجرم یا پرداخت تفاضل دیه زن برای اجرای قصاص مرد قاتل، با «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی و مالی» حمایت نموده.

۵- دستورهای حمایتی و حفاظتی خاصی را در مواد ۴۶ تا ۵۰ برای تأمین سلامت، امنیت و کرامت انسانی زنان معین نموده است.

۶- در برابر زن کشی و همسرکشی با عنوان قتل‌های ناموسی، کودک همسری، خشونت‌های نوظهور و تبعیض می‌تواند بازدارندگی ایجاد کند و از زنان آسیب‌دیده یا در معرض آسیب حمایت نماید. هرچند این موضوعات به لحاظ مبانی فرهنگی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی با چالش‌هایی روبروست.

۷- لایحه در راستای تعهد دولت به رفع خشونت و تبعیض و احترام به کرامت و عزت زنان ایرانی؛ تضمین و تأمین حقوق آنان با استفاده از ابزار و نهادهای حمایتی و تعیین مجازات برای

متجاوزان، تدوین شده است. به لحاظ شکلی مغایرتی با اسناد بین‌المللی مانند کمیسیون رفع خشونت علیه زنان ندارد اما در بعد ماهوی نهاد خانواده و خشونت در جامعه ایرانی مشابه وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان در جوامع دیگر نیست و لذا سعی دارد راهکارهای متناسب با جامعه ایرانی اسلامی را برای حذف خشونت علیه زنان و دسترسی به عدالت کیفری اتخاذ کند.

۸- این لایحه آیین دادرسی خاصی پیش بینی نموده و شرایط دادرسی، تعقیب، تحقیق و رسیدگی در مورد خشونت علیه زنان را تسهیل و حساسیت و توجه جامعه را نسبت به این موضوع مدنظر دارد.

بنابراین، رفع ایرادات و نقایص این لایحه و دادن نقش مؤثر به قضات زن در تمام مراحل دادرسی با حضور پلیس زن مقتدر و استفاده بهینه از راهکارها و دستاوردهای قوانین جرایمی کشورهای که در راستای عمل به تعهد خود در برابر اسناد بین‌المللی رفع خشونت علیه زنان قانونگذاری نموده اند، برای تصویب «قانون منع یا مقابله با خشونت علیه زنان» ضروریست.

پیشنهاد، لزوم تصویب قانون مذکور است تا:

۱) مقررات پراکنده حقوق کیفری زنان و خانواده انسجام یابد، هر اصلاح و تکمیلی در همین قانون بعمل آید و ایراد سازمان ملل بر فقدان قانون معین منع خشونت علیه زنان در ایران رفع شود؛

۲) دستیابی زنان به برابری حقوق بهتر تامین گردد و نیازی به تبعیت محض از اسناد بین‌المللی نباشد زیرا طبق ماده ۲۳ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، هیچ چیز در این کنوانسیون بر مقرراتی که برای دستیابی زنان و مردان به برابری مفیدتر و مؤثرتر وجود دارد، تأثیر نخواهد گذاشت و این مقررات می‌تواند شامل قوانین یک دولت عضو باشد؛

۳) دولت ایران در نشست‌های بین‌المللی با ارائه این قانون به تبیین مفاهیم و نگرش متعالی اسلام به حقوق زن و خانواده همت بگمارد تا سازمان ملل نیز که به مبارزه با خشونت علیه زنان متعهد است و جنسیت و روابط نابرابر در قدرت را مورد چالش قرار داده و در گسترش حقوق زنان در جهان تأثیرگذار بوده است، قرائت دیگری از زن توانمند داشته باشد و در اسنادش، اصلاحاتی را برای برابری زنان و مردان با درک تفاوت‌هایشان که لازمه زندگی بشری است و ریشه در فرهنگ، دین و سنن ملل دارد، بعمل آورد و جهانی ساخته شود به دور از خشونت و در صلح و آرامش با حفظ حقوق بشر در بطن خانواده توأم با معنویت.

فهرست منابع

۱. ابوالحسنی، امیرحسین؛ بهمه‌ای، عبدالواحد. (۱۴۰۱). خشونت علیه زنان و راهکارهای پیشگیری از آن. *فصلنامه تمدن حقوقی*. دوره ۵. شماره ۱۱.
۲. استاد هاشم، فاطمه. (۱۴۰۱). سیاست کیفری ایران در خصوص خشونت خانگی علیه زنان با تأکید بر قتل نفس. *فصلنامه فقه جزای تطبیقی*. دوره ۲. شماره ۲.
۳. جلالی، محمود. (۱۳۸۳). حقوق بشر در حقوق بین‌الملل و وضعیت ایران. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. شماره ۶۶.
۴. حاجی ده آبادی، محمدعلی؛ شیروانی، سمیرا. (۱۳۹۸). تامین امنیت زنان در برابر خشونت در حقوق کیفری ایران با نگاهی به لایحه تامین امنیت زنان. *فصلنامه مطالعات حقوقی*. شماره ۳۳.
۵. حضرت پور، محبوبه؛ محمدی، عادل. (۱۳۹۷). *نقش زنان در فرایند صلح و امنیت بین‌المللی*، تهران. انتشارات خرسندی. چاپ ۱.
۶. حکیم زاده خوئی، پیمان؛ رجب زاده، آرام؛ ستوده، شهلا. (۱۴۰۰). اعتلای جایگاه حقوق بشری زنان با تأکید بر نظام حقوقی. *فصلنامه فقه و حقوق نوین*. دوره ۲. شماره ۵.
۷. خسروی، علیرضا؛ بسامی، مسعود؛ قاسمی، مسعود. (۱۴۰۱). سیاست‌های جنایی تقنینی در قبال منع خشونت علیه زنان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی. *ماهنامه علمی جامعه شناسی سیاسی/ایران*. سال ۵. شماره ۸.
۸. خواجه پیری، عباس. (۱۳۸۵). *مروری بر سیر تکوینی اسناد بین‌المللی حقوق زنان*. مجله حمایت. مرداد ماه.
۹. دکسردی، والتراس. (۱۳۹۲). *جرم شناسی/انتقادی معاصر*، مترجم مهرداد رایجیان اصلی و حمید رضا دانش ناری. تهران. دادگستر. چاپ دوم.
۱۰. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. رحمتی فر، سمانه. (۱۴۰۱). حمایت حقوقی از زنان در برابر خشونت خانگی. *دو فصلنامه حقوق بشر*. سال ۱۷. شماره ۱. بهار و تابستان.
۱۲. رنجبران، قاسم و دبیرزاده، الهه. (۱۳۹۰). *خشونت بر زنان در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی*. تهران. نشر فرهنگ شناسی. چاپ ۱.
۱۳. سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. سایت رسمی سازمان های بین المللی.
۱۵. شیخ بهایی، جمال‌الدین محمد؛ بهرامی نژاد، علی؛ بهرامی خوشکار، محمد. (۱۴۰۰). تحلیل

مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری خشونت علیه زنان. مجله حقوق پزشکی. ویژه نامه نوآوری‌های حقوقی.

۱۶. عبادی، شیرین. (۱۳۷۳). تاریخچه اسناد حقوق بشر در ایران. تهران. نشر روشنگران.

۱۷. عظیم زاده اردبیلی، فائزه؛ ریاضت، زینب. (۱۳۹۴). سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم علیه زوجه در خانواده. دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده. سال ۲۰. شماره ۶۳.

۱۸. فانی، رضا؛ نخعی، یاسر. (۱۴۰۳). شرایط تحقق جنایت جنگی از طریق ارتکاب جرایم جنسی. مجله کانون وکلای دادگستری استان آذربایجان شرقی. سال ۱۴. شماره ۵۰.

۱۹. محمد زاده، مهدی؛ بکشلو، رضا؛ عیسی زاده، بشیر. (۱۴۰۰). بررسی روح حاکم بر لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. دوره ۲۴. شماره ۹۳.

۲۰. محمودی، امیر رضا؛ مجیدی، هاله. (۱۴۰۱). کنترل، پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان در قوانین موضوعه ایران. فصلنامه زن و مطالعات خانواده. سال ۱۵. شماره ۵۶.

۲۱. محمدزاده، مهدی و حاجی علی خمسه، مرتضی و عیسی زاده، بشیر. (۱۴۰۱). نقد و بررسی لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» از منظر اصول و قواعد قانونگذاری. پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی. دوره ۲۲. شماره ۶.

۲۲. مرادی، پریسا؛ کرمی، موسی. (۱۴۰۲) زندگی، زن و دیگر هیچ ارزیابی انتقادی لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار. هشتمین کنفرانس ملی مطالعات مدیریت و اقتصاد در علوم انسانی. تهران.

۲۳. مظهری، محمد. (۱۳۹۸). بررسی حقوقی حمایت از زنان کارگر در مقابل خشونت در محیط کار، پژوهشنامه زنان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ۱۰. شماره ۳.

۲۴. منصوری، حجت اله؛ کوشا، سهیلا؛ حاتمی، محمدرضا؛ آل کجیاف، حسین. (۱۴۰۳). مطالعه انتقادی مقررات کنوانسیون منع تبعیض جنسیتی علیه زنان و ارائه الگوی اسلامی. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی. دوره ۲۶. شماره ۸۳.

۲۵. مهرپور، حسین. (۱۳۹۵). حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران. تهران. انتشارات اطلاعات.

۲۶. نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۹۷). دایرةالمعارف علوم جنایی، علوم جنایی حقوقی. تهران. نشر میزان. چاپ اول.

۲۷. نجفی کشکولی، سمیرا. (۱۴۰۰). تحلیل حقوقی خشونت علیه زنان با توجه به حقوق بین‌الملل بشر. فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی. دوره ۳، شماره ۶.